Vol. 11 | No. 3307 | Sun. May 3. 2026 | یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ | ۱۵ ذی‌القعده ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۳۳۰۷ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

وقتی داده‌ها
به نفع خریداران هم صدا می‌شوند

سناریوی فروریزش مقاومت ۸۰ هزار دلاری بیت‌کوین

صفحه ۶

نگاهی به فرصت‌ها و چالش‌های سیاست حمایتی «یارانه دستمزد»

اشتغال یارانه‌ای نجات بازار کار یا تعویق بحران؟

صفحه ۸

تحلیلی بر افزایش ۳۳ درصدی تسهیلات اجاره

وام ودیعه؛ مُسکن یا راه حل؟

افزایش سقف وام ودیعه مسکن، در نگاه اول می‌تواند نشانه‌ای از توجه سیاستگذار به فشار فزاینده بر مستأجران باشد؛ فشاری که در سال‌های اخیر به یکی از جدی‌ترین بحران‌های اقتصادی خانوارهای شهری تبدیل شده است. تصمیم اخیر هیات عالی بانک مرکزی مبنی بر افزایش سقف این تسهیلات تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومان و بالا بردن سقف فردی وام‌ها، از سوی برخی به عنوان گامی مثبت تلقی شده، اما بررسی دقیق‌تر اعداد و واقعیت‌های بازار اجاره، تصویری متفاوت ارایه می‌دهد. بر اساس مصوبه جدید، سقف وام ودیعه برای مستأجران در تهران به ۳۶۵ میلیون تومان، در مراکز استان‌ها به ۲۸۰ میلیون تومان، در سایر شهرها به...

صفحه ۵ را بخوانید

هوانوردی ایران
در برزخ خسارت و سیاست

پرواز در مه ابهام

صنعت هوانوردی ایران بار دیگر در بزنگاهی حساس قرار گرفته است؛ نقطه‌ای که در آن، آسیب‌های ناشی از درگیری‌های اخیر با ابهام‌های سیاسی و اقتصادی گره خورده و آینده این صنعت را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. بر اساس گزارش‌ها، در جریان «جنگ تحمیلی سوم»، حدود ۲۰ فروند هواپیما و بخشی از زیرساخت‌های کلیدی فرودگاهی و ناوبری آسیب دیده‌اند. با این حال، نبود اطلاعات دقیق و محدودیت‌های امنیتی باعث شده تصویر روشنی از میزان واقعی...

صفحه ۵ را بخوانید

«تعادل» روند معاملات صندوق‌های بازار سرمایه را بررسی می‌کند

خروج ادامه‌دار نقدینگی از درآمد ثابت‌ها

معاملات اولین روز کاری هفته در بازار سرمایه در حالی آغاز شد که زمان صندوق‌های با درآمد ثابت افزایش یافت و همچنین معاملات صندوق‌های املاک و مستغلات نیز از روز مذکور آغاز شد. با توجه به وعده بازگشایی بازار سهام به نظر می‌رسد که متولیان این بازار در حال حاضر آرام آرام در حال بازگشایی بخش‌های مختلف بازار هستند تا فشار بسیاری یکباره متوجه بازار نشود. البته با توجه به اینکه بازار سهام بیش از دوماه تعطیل بوده...

صفحه ۴ را بخوانید

یادداشت - ۱

آثار و عوارض انتشار اسکناس‌های درشت (۱)

مهرداد حاجی‌زاده‌فلاح

برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که در روزهای اخیر، اسکناس‌های درشت اعم از ایران چک‌های ۵۰۰ هزار و یک‌میلیون تومانی در بازار غیررسمی ارز و طلا به کالایی مورد تقاضا تبدیل شده‌اند. به‌طور خلاصه اهم شرایط و مشکلاتی که اسکناس ایجاد کرده است؛ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کمیابی اسکناس برای مردم و فراوانی برای دلالان: در حالی که مردم عادی هنگام مراجعه به بانک‌ها برای دریافت پول نقد با محدودیت‌های سفت‌وسخت مواجه هستند، این اسکناس‌های درشت به میزان قابل توجهی در اختیار دلالان بازار ارز به‌ویژه در محدوده میدان فردوسی و چهارراه استانبول تهران قرار دارد.

۲- ابزار معامله در بازار غیررسمی: گزارش‌ها حاکی از آن است که بسیاری از دلالان ارز، معاملات خود را مشروط به پرداخت نقدی با این ایران چک‌ها کرده‌اند. حتی برخی دلالان برای تشویق خریداران به پرداخت با پول نقد درشت، دلار را با قیمت پایین‌تر از نرخ روز عرضه می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که اسکناس‌های درشت به ابزاری برای تسهیل معاملات پنهان و غیرشفاف تبدیل شده‌اند.

۳- شائبه‌های توزیع: ورود حجم بالای این اسکناس‌ها به بازار آزاد، سوالات جدی درباره مسیر توزیع آنها ایجاد کرده است. کارشناسان تاکید دارند که با توجه به نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی، توزیع این اسکناس‌ها باید کاملا قابل رصد باشد؛ اما حضور آنها در بازار سیاه نشان‌دهنده وجود خلأهای نظارتی یا مسیرهای ویژه‌ای است که باعث می‌شود این پول‌ها مستقیما از شعب بانکی سر از دست دلالان درآورند. تحلیلگران هشدار می‌دهند که این روند می‌تواند باعث گسترش سفته‌بازی و ایجاد التهاب در بازارهای ارز و طلا شود. وقتی خود پول به یک کالای واسطه‌ای با قیمت متفاوت تبدیل می‌شود، این نشانه آشکاری از رونق اقتصاد زیرمینی است که نظارت بر جریان نقدینگی را برای نهادهای مسوول دشوارتر می‌کند. در مجموع، این وضعیت بازتابی از عدم تعادل در توزیع منابع پولی است که در آن دسترسی سریع به نقدینگی درشت، به جای آنکه در چرخه رسمی اقتصادی کشور باشد، در مسیر سوداگری و مبادلات غیرشفاف قرار گرفته است. اگر بخواهیم این پدیده را از دیدگاه اقتصاد کلان، نقدینگی و نظارت بانکی تحلیل کنیم، ما با یک ناهنجاری در جریان گردش پول مواجه هستیم. در ادامه، تحلیل فنی این وضعیت در چهار محور اصلی ارایه می‌شود:

۱- افزایش سرعت گردش پول (Velocity of Money) در بازار غیررسمی: در اقتصاد، سرعت گردش پول به معنای تعداد دفعاتی است که یک واحد پول در یک بازه زمانی مشخص از دست یک نفر به دست نفر دیگر می‌افتد. وقتی اسکناس‌های درشت مانند یک میلیونی به جای ورود به چرخه تولید و مصرف رسمی، مستقیما در معاملات ارز و طلا بازار سیاه دست به دست می‌شوند، سرعت گردش پول در بخش غیررسمی به شدت بالا می‌رود. این امر باعث می‌شود قدرت خرید پنهان در بازار، بسیار فراتر از آنچه در آمارهای رسمی بانک مرکزی دیده می‌شود، باشد. این افزایش سرعت گردش در بازار موازی می‌تواند منجر به تورم ناشی از تقاضا در بازارهای کالا و ارز شود.

۲- نقدینگی زیرمینی: وقتی اسکناس‌های با ارزش بالا در دسترس عموم قرار نمی‌گیرند، اما در بازار آزاد فراوان هستند، ما با پدیده تکه‌تکه شدن نقدینگی مواجه می‌شویم.

در حالت عادی، نقدینگی باید از طریق سیستم بانکی، نقدینگی دیجیتال یا ذخایری مدیریت و کنترل شود. اما ورود این اسکناس‌ها به بازار سیاه، یعنی بخشی از نقدینگی کشور از سیستم بانکی رسمی خارج شده و به سیستم غیررسمی منتقل شده است. این انتقال باعث می‌شود ابزارهای سیاستگذاری پولی بانک مرکزی مانند نرخ بهره یا کنترل نرخ رشد نقدینگی کارایی خود را از دست بدهند، زیرا بانک مرکزی نمی‌تواند بر جریانی که در خارج از حساب‌های بانکی در حال حرکت است، نظارت یا کنترل داشته باشد.

۳- ایجاد سوپریم یا اختلاف قیمت (Premium Pricing):

در بازارهای مالی، وقتی یک ابزار پرداخت (در اینجا اسکناس درشت) به دلیل نایابی یا تسهیل معاملات، ارزش افزوده پیدا می‌کند، پدیده‌ای به نام Premium ایجاد می‌شود. در واقع، این اسکناس‌ها دیگر فقط واحد پول نیستند، بلکه خود به یک «کالای واسطه‌ای» تبدیل شده‌اند. وقتی دلالان برای دریافت این اسکناس‌ها، قیمت ارز را کاهش می‌دهند، در واقع در حال خرید سهولت در انتقال وجه هستند.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت - ۲

چرا مبلغ «کالابرگ» باید بازنگری و افزایش یابد؟

حسین امامی‌راد

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در نام‌گذاری امسال به موضوع تأمین معیشت مردم و ارتقاء زیرساخت‌های زیستی و رفاهی و تولید ثروت برای عموم مردم، به عنوان نکته کانونی و نوعی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی که دشمن به راه انداخته، اشاره کردند و با تأسی به رهبر عظیم‌الشأن شهید، شعار امسال را «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» اعلام نمودند. در واقع این موضوع نشان از اهمیت و حساسیت موضوع «معیشت مردم» در بالاترین سطح حکمرانی کشور دارد. از طرفی، قانون بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور، در شرایطی تصویب شد که اقتصاد ایران با هم‌زمانی چند بحران ساختاری مواجه بود؛ تشدید تنش‌های سیاسی و تحریم‌ها، جنگ تحمیلی سوم، تورم مزمن و رکود تورمی عمیق، فرسایش مستمر قدرت خرید خانوارها، کاهش سرمایه‌گذاری، افت بهره‌وری در بدنه حجیم دولتی و تضعیف ارزش پول ملی. در چنین شرایطی، بودجه دولت می‌تواند یا نقش یک «نقشه‌راه» برای مهار بحران‌ها و ایجاد ثبات را بازی کند، یا صرفا به سندی برای «اداره حداقلی» کشور تبدیل شود که با اهداف توسعه‌ای، معیشتی و بهره‌ورانه کشور فاصله معناداری دارد. شکی نیست که مهم‌ترین مساله امروز کشور بعد از تضمین امنیت و دفع خطر دشمن متجاوز، موضوع «معیشت مردم و مهار تورم» است که در این راستا تخصیص «کالابرگ» به آحاد مردم به عنوان راهکاری جبرانی در اولویت تصمیمات دولت و مجلس شورای اسلامی قرار گرفت که با توجه به هم‌زمانی آن با حذف ارز ترجیحی، منابع آن نیز از همین محل، تعیین شد. هدف اعلامی این سیاست از سوی دولت، «کاهش نااطمینانی، ثبات دوره‌ای قیمت‌ها، بهبود برنامه‌ریزی تولید و انتقال منافع به مصرف‌کننده نهایی» عنوان شد و سیاستگذاران تأکید کردند که ارز ترجیحی حذف نمی‌شود، بلکه منافع آن مستقیما به مردم منتقل خواهد شد و به این ترتیب، پرداخت یارانه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره منتقل می‌شود. اگرچه که انتقاداتی به زمان اجرای این طرح، عدم تدریجی بودن آن و عدم جبران مبلغ تخصیصی کالابرگ نسبت به شوک قیمتی حاصل از حذف ناگهانی ارز ترجیحی وارد بود، اما با توجه به شرایط سیاسی و امنیتی کشور و نیاز به حفظ انسجام و وحدت در همه سطوح و ارکان کشور، نگاه مجلس شورای اسلامی نیز، حفظ یکپارچگی و همراهی با تصمیمات کلان دولت و رفع نقاط ضعف با هدف بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه مردم است. اگرچه که حذف ارز ترجیحی موجب تضعیف رانت و ویژه‌خواری شد، اما انتظار از دولت این است که با تشدید نظارت‌ها فراگیر بر بازار، مانع از سوءاستفاده و گرانی به ویژه در سطح تولید و عرضه به توزیع کنندگان شود.

در همین راستا نظر اینجانب و قاطبه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و نیز دولت محترم، در تصویب طرح امنیت غذایی و تخصیص کالابرگ، از ابتدا بر متناسب بودن میزان کالابرگ با نرخ تورم و امکان افزایش دوره‌ای آن به فراخور تغییر سطح قیمت‌ها بود. اما در ماه‌های اخیر، با افزایش قابل توجه هزینه‌های خانوار و تورم حدود ۷۰ درصدی اقلام خوراکی، ضرورت افزایش مبلغ کالابرگ، بیش از پیش نمایان شده است. گزارش جدید بانک مرکزی از تورم فروردین ماه ۱۴۰۵، حاکی از افزایش چشمگیر هزینه معیشت خانوارها داشته، به شکلی که رشد همزمان قیمت کالاهای مصرفی، خوراکی‌ها و خدمات درمانی، فشار علی‌حده‌ای بر سبد هزینه‌ای مردم تحمیل کرده است. شکی نیست که پرداخت کالابرگ الکترونیک که به منظور تأمین کالاهای ضروری و اساسی خانوارها به اجرا درآمده، اقدامی درست و اصولی است و در کوتاه‌مدت به حفظ قدرت خرید و معیشت خانوارها کمک می‌کند، اما در بلندمدت، افزایش اعتبار آن، متناسب با تورم ضروری است. در همین راستا، براساس ماده ۳ آیین‌نامه «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم» مصوب ۱۴۰۴/۱۰/۱۰، هیات وزیران، افزایش هزینه ناشی از تغییر قیمت اقلام سبد کالاهای موضوع این آیین‌نامه، باید به صورت فصلی ارزیابی و از محل منابع موجود در حساب پشتیبان از طریق افزایش اعتبار کالابرگ جبران شود. بنابراین اگر قیمت‌های اقلام کالابرگ در این دوره افزایش پیدا کند، دولت موظف است میزان اعتبار کالابرگ در دوره بعد را افزایش بدهد. از آنجا که محل تأمین بودجه کالابرگ، اختلاف قیمت ارز آزاد با نرخ ۲۸۵۰۰ تومانی است، لذا باید با افزایش نرخ ارز، مبلغ کالابرگ نیز افزایش یابد. در قانون بودجه سال ۱۴۰۵، مبلغ ۹۹۶ همت برای طرح کالابرگ اختصاص یافته که لازم است به دلیل شرایط جنگی و پیامدهای آن، علاوه بر این مبلغ، اعتبار دیگری نیز تخصیص یابد، همچنان که طبق آیین‌نامه «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم» این اختیار به دولت داده شده که در صورت افزایش تورم و قیمت‌ها، بازنگری اعتبار کالابرگ را در دستور کار قرار بدهد. با این وصف، خواسته صریح و روشن مردم و اینجانب به عنوان وکیل مردم در مجلس شورای اسلامی، بازنگری، افزایش و متناسب‌سازی فوری مبلغ «کالابرگ» با تورم جهت بهبود معیشت مردم با هدف برقراری امکان دسترسی بیشتر به کالاهای اساسی و روزانه است؛ خواسته‌ای که نه به عنوان یک «انتظار»، بلکه «تکلیفی قانونی» مطرح می‌شود. از سوی دیگر، برخی‌ها با استدلال جلوگیری از تورم‌زایی از افزایش نقدینگی، به دنبال جایگزینی «سبد کالا» و اعطای «یارانه غیرنقدی» به جای «کالابرگ الکترونیک» هستند که این موضوع یک عقبگرد بزرگ، پرهزینه و خطرناک بوده و علاوه بر ایجاد رانت و فساد در نظام اقتصادی کشور، هزینه‌های زیادی به سیستم اداری و اقتصادی کشور تحمیل می‌کند و بخش زیادی از انرژی و توان دولت و قوه قضاییه را به مدیریت تأمین سبد کالا و مبارزه با فساد و رانت‌های تبعی آن، اختصاص می‌دهد که عملا نه تنها باری از دوش نظام و کشور برنمی‌دارد که موجب فرسایش توان و وقت سیستم حکمرانی کشور می‌شود؛ کما اینکه کالابرگی که از محل حذف ارز ترجیحی تأمین می‌شود نه تنها موجب برچیده شدن فساد و سفره رانتخواران و ویژه‌خواران شده، بلکه «توزیع عادلانه منابع عمومی» بوده و هیچگاه عامل اصلی ایجاد تورم تلقی نمی‌شود. در مقابل، ریشه‌های تورم را باید در تحریم‌ها، ضعف در تأمین منابع ارزی کشور و افزایش نرخ ارز، خلق افسار گسیخته پول توسط سیستم بیمار بانکی، کسری و ناترازی بودجه کشور و مشکلات ساختاری اقتصاد کشور جست‌وجو کرد نه در سفره و معیشت مردم. تجربه نشان داده، ارائه سبد کالای مشخص به مردم علاوه بر ایجاد رانت و فساد و هتک حرمت مردم (به دلیل تشکیل صف‌های طولانی و دریافت کالاهای نامناسب)، رویکرد «عرضه‌محوری» داشته که موجب محدود کردن حق انتخاب مردم در تأمین کالاهای مورد نیاز از فروشگاه‌های محدود می‌شود، در حالی که کالابرگ الکترونیک، دست مصرف‌کننده را برای انتخاب نوع کالا و فروشگاه آن باز گذاشته و با رویکرد «تقاضامحوری»، آزادی عمل بیشتری به مردم، برای خرید مایحتاج دلخواه خود از فروشگاه‌های متنوع می‌دهد. بنابراین، اینکه برخی با توجیهات ساختگی به دنبال کسب رانت و منافع شخصی از جیب و سفره مردم باشند به هیچ عنوان قابل قبول نیست و آدرس غلط دادن است. بی‌شک، همه وظیفه داریم در برابر این قبیل استدلال‌هایی که معیشت مردم را دچار آسیب می‌کند، مقابله کنیم.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۳

اقتصاد ترمز برید

علی فراقی

در حال حاضر هر قدر که بخواهیم خوشبینانه به اقتصاد کشور نگاه کنیم به ناچار با یک پارامتر قابل اندازه‌گیری مواجه می‌شویم که خوشبین‌ترین دیدگاه را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد و عملا پس از بررسی وضعیت این مقیاس بیش از پیش تحت فشار بودن بسیار اقتصاد ایران را می‌توان به خوبی مشاهده نمود که البته رفته رفته برخی تغییرات غیرقابل مشاهده و انتظاری حاضر هم به آن اضافه خواهد شد که البته برای ادامه باید گفت این پارامتر وضعیت تراز تجاری کشور است که با توجه به وضعیت بسیار متفاوتی که اقتصاد کشور در چند ماه اخیر از سر گذرانده است و همچنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند دور از انتظار نخواهد بود و هر چند شرایط گذشته اقتصاد هم برای خود دارای پیچیدگی‌ها و مشکلات عدیده فراوان داخلی و خارجی بود مجدد حجم بیش از پیش شده است که شرایط و البته اظهارنظر را بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

مورد مهم بخش تراز تجاری کشور قسمت صادرات آن است که به دلایل مختلف که جلوتر تا حدود کوتاهی به آن می‌پردازیم شاهد افت بسیار محسوسی هستیم که ممکن است تا مدت قابل توجهی باقی بماند و هر چند احتمالا برخی از اینچنین تغییراتی پله‌پله با بهبود قسمتی از وضعیت و بازسازی برخی بخش‌های اقتصادی کشور بتواند خود را بازیابی کند (هر چند این مورد هم تا به الان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد) اما همچنان بخشی از آن تا بازه زمانی قابل توجهی در بلندمدت امکان بازگشت نخواهد داشت و همان‌طور که در التهابات مجدد به وجود آمده در بازارها مشاهده می‌کنیم آثار تورمی و هیجانات قیمتی و البته جهش‌هایی را مجدد خواهیم دید که عملا اتفاقی ناگزیر است که عملا بهبود به یک‌باره قسمت‌هایی از اقتصاد یا به چرخه بازگشتن بخشی از صنایع کشور چه به صورت مشاهده در بخش تولیدی، خدماتی یا بازرگانی در مرحله اول بتواند بدتر نشدن شرایط را رقم بزند تا عملا سرعت آن کاسته شده یا حتی متوقف شود (که البته توقف احتمال بسیار کمی را خواهد داشت و صرفا کاهش سرعت و شتاب تا حدودی امکان‌پذیرتر و قابل باورتر خواهد بود) و پس از آن شاید بتواند قسمتی از این زخم‌های به وجود آمده را ترمیم کند که در حقیقت برنامه‌ای بسیار سخت و زمانبر خواهد بود.

در حقیقت بخش کاهش شتاب و حتی توقف افزایش وضعیت نامساعد اقتصادی تا حدودی بتواند امکان‌پذیر شده و رخ دهد اما پس از آن بهبود و رشد موضوعی جدا خواهد بود که نیازمند یک سلسله تصمیم و عملیات است که خود نیاز به بحثی طولانی و جداگانه دارد تا امکان قدم‌گذاری صحیح در این قسمت به خوبی انجام شود.

یادداشت - ۴

مسیرهای تاب‌آوری اقتصادی

سیدحمید حسینی

با توجه به تفاوت در چالش بنگاه‌ها، قاعدتا راه‌حل‌های آنها نیز متفاوت بوده، بنابراین به هر میزان که بنگاه‌های کشور در مواد اولیه یا در خدماتی که دریافت می‌کنند و فروش کالاهای شان وابسته به بازار خارج از کشور باشند -به ویژه بازار کشورهای غیرهمسایه - با چالش‌های بیشتری مواجه هستند. همزمان این بنگاه‌ها هم در تامین مواد اولیه دچار مشکل شدند، هم امکان صادرات کالا ندارند و اینکه با توجه به افزایش قیمت‌ها و تورم در دوران جنگ با مشکل نقدینگی مواجه هستند، لذا مجبور به تعدیل نیرو و فریز کردن بنگاه‌های شان شده‌اند.

بنگاه‌های خدماتی ممکن است دایره فعالیت شان محدود شده باشد، به این علت که وقتی مردم در دوران جنگ هستند کمتر هزینه‌های متفرقه و جانبی دارند و بنگاه‌های خدماتی مثل رستوران‌ها، هتل‌ها و شرکت‌های هواپیمایی با مشکل بیشتری مواجه می‌شوند. قاعدتا کمترین آسیب را بنگاه‌ها و افرادی که درگیر کار کشاورزی هستند، می‌بینند. بنگاه‌ها یک وظیفه در رابطه با اداره بنگاه شان دارند و اینکه به هر شکلی باید بجنگند و دولت هم باید کمک کند تا بنگاه‌های فولادی و پتروشیمی که در دوران جنگ آسیب دیده‌اند و تامین کننده مواد اولیه بسیاری از واحدهای دیگر بودند موجودی انبارهایشان به‌طور عادلانه در بازار توزیع شود و تلاش کند که بنگاه‌های آسیب‌دیده زودتر به مدار تولید بازگردند، از آن طرف هم دولت باید با حذف برو کراسی اجازه واردات مواد اولیه را بدهد که تاکنون اقداماتی صورت گرفته است. در حال حاضر بخشی از دلیل افزایش قیمت دلار به خاطر این است که دولت اجازه واردات کالا بدون ثبت سفارش و نوبت ارز را تصویب کرده، در مجموع بنگاه‌ها یک مسوولیت اجتماعی دارند که آن حفظ نیروهایشان است.

با توجه به اینکه هزینه نیروی انسانی در قیمت تمام شده واحدهای کشور متوسط حدود ۷ درصد است و در بنگاه‌های کارگر محور مثل واحدهای نساجی و خودروسازی شاید بیشتر باشد و در بنگاه‌های پتروشیمی هزینه نیروی انسانی حتی از ۷ درصد هم کمتر است، لذا یک مسوولیت اجتماعی وجود دارد که تلاش کنند نیروی انسانی خود را حفظ کنند. تا الان به‌رغم برخی شایعات در مورد تعدیل نیروی انسانی عملکرد بد نبوده است. بنگاه‌های فولادی و پتروشیمی اعلام کردند که تعدیل نیرو نخواهند داشت حتی آنهایی که تعطیل هستند، ضمن اینکه وزارت کار اعلام کرده تا الان ۱۵۰ هزار نفر برای بیمه بیکاری اقدام کردند که این نشان‌دهنده مسوولیت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی است.

ادامه در صفحه ۳